

## توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی

(قسمت پانزدهم)

### عزیز هندی کی بود و برای کی فعالیت میکرد؟

غلام محمد عزیز (معروف به عزیز هندی) از جمله اشخاص زرننگ و فعالی بود که نخست در تحریک هجرت و بعداً در حلقه مهاجرین هندی در افغانستان و سرحد آزاد فعالیت داشت. کسانی که با نام موهن لال کشمیری، یکی از زرننگ ترین و محیل ترین جواسیس انگلیس در دوران جنگ اول افغان و انگلیس (سالهای ۱۸۳۸ - ۱۸۴۲) آشنایی دارند، شباهت عجیبی را بین وی و عزیز هندی دیده میتوانند. هردوی آنها از کشمیر هندوستان بودند؛ هردوی آنها در خانواده های هندو به دنیا آمده و بعداً به دین مقدس اسلام مشرف شده بودند؛ هردوی آنها در دوران دو جنگ مختلف افغان و انگلیس به نفع کشور های خارجی در افغانستان فعالیت داشتند؛ هردوی آنها سالهای اخیر زندگی شانرا با مشقت گذشتاندند؛ و هردوی آنها گویا خاطرات/تجربیات و یا نظریات شانرا در کتابی (۱) جمع کرده و برای خوشخدمتی و پاداش، و یا تبرئه به دستگاه حاکمه انگلیس تقدیم کرده اند.

عزیز هندی پسر "مدهو کشمیری" در منطقه "موری گنج" شهر "امرتسر" دیده بدنیاش کشوده و تا مکتب متوسطه تحصیل کرد. عزیز هندی یکی از اشتراک کنندگان مظاهرات علیه قانون معروف به "رولات بل" بوده و تقریباً در هر جلسه پروتست و مظاهره شهر امرتسر با خواندن اشعار انقلابی حضور داشت. عزیز هندی توسط انگلیس ها زندانی و گویا به حبس ابد محکوم شده، روانه همان زندانی شد که رهبران مظاهرات و قیام امرتسر را در آن زندانی نموده بودند (۲).

اینکه عزیز هندی چگونه زندانی و به اعدام و بعداً به حبس ابد محکوم شد، دلچسپ بوده، و توطئه به شهرت رساندن عمدی و زمینه شمول در حلقه مبارزین آزادیخواه هند بریتانوی را نشان میدهد. او بار اول توجه مردم را در جلسه احتجاجیه قتل عام "باغ جیلیانواله" وقتی جلب کرد که یک روز بعد از قتل عام خود را در تکه سیاهی پبچانده سوار بر یک اسپ سیاه در کوچه ها به گردش پرداخت. وی که در آن وقت ۱۸ سال عمر داشت توسط یک محکمه نظامی نخست به اعدام محکوم و بعداً جزای اعدامش به حبس ابد تبدیل شد (۳).

عزیز هندی بعد از گذشتادن چند ماه در زندان، در ماه دسمبر ۱۹۱۹، گویا مورد عفو قرار گرفته از زندان آزاد وبا شناختی که در زندان با رهبران زندانی ضد انگلیس حاصل کرده بود، در حلقه فعالین عمده جنبش خلافت درآمد.

عزیز هندی به گفته خودش یکی از پیشاهنگان جنبش هجرت بوده است. او در یکی از مقالاتش بطور قطعی ادعا میکند که برخلاف عقیده اقبال شیدائی که میگوید برادران علی پیشتازان جنبش هجرت به افغانستان بودند، خودش، یعنی عزیز هندی بود که در کنفرانس خلافت دهلی قطعنامه هجرت را سپانسر شد (۴). او در ماه می ۱۹۲۰ سرپرستی کمیته انسجام امور مهاجرین در پشاور را به عهده گرفت. در ماه جون همان سال به کابل هجرت و عضویت کمیته مهاجرین هندی را حاصل نموده از کمیته مرکزی خلافت در بمبی مبلغ ده هزار روپیه را برای مساعدت با مهاجرین هندی در افغانستان دریافت کرد. عزیز هندی در ماه جولای ۱۹۲۰ به خاطر اختلاس در بودجه کمیته مهاجرین ازین کمیته اخراج شد.

عزیز هندی در ماه نومبر همان سال توانست با جمال پاشا، قوماندان قوای بحری دولت عثمانی، که به کابل آمده بود، رابطه نزدیکی برقرار و تحت رهبری وی بحیث تولى مشر در قطعه نمونه اردوی افغانستان شامل شود، اما دو ماه بعد، در جنوری ۱۹۲۱، بعد از افشای جرمی که مرتکب شده بود، از ترس زندانی شدن کابل را ترک کرده به چمرکند، یکی از مراکز مجاهدین هندی ضد استعمار انگلیس، گریخت. عزیز هندی مدت زمانی را در بین این مبارزین گذراند، خود را کپتان اردوی آزادیبخش یاغیستان اعلام نمود، که گویا میکوشد در مناطق سرحد آزاد به سربازگیری برای آن اردو بپردازد. وی بعد از مدت کوتاهی به کابل برگشته و در آنجا به زندان فرستاده شد.

عزیز هندی بعد از چهارونیم ماه از زندان آزاد و عضویت گروه انقلابیون هند در کابل را بدست آورد. برای مدتی بحیث مفتش مکاتب در جلال آباد مقرر شد. اما به اثر اختلافات با اعضای این گروه، خصوصاً میر رحمت الله همایون

و دیگران، یا شاید هم افشای هویت اصلی اش، زندگی در افغانستان برایش نا ممکن شده در ماه اپریل ۱۹۲۵ به سفارت انگلیس در کابل مراجعه و اجازه خواست به خانه اش در امرتسر هند بریتانوی برگردد. چون اسناد استخبارات هند نشان میداد که عزیز هندی با سفارت روسیه در کابل نیز ارتباط نزدیک دارد، اجازه برگشت به هند را نیافت (۵).

عزیز هندی در ارتباط با فعالیت های روسیه شوروی در سرحدات آزاد افغانستان به آن مناطق سفر های متعدد داشت. به استناد راپور های ف. راسکلنیکف، سفیر شوروی در کابل که به جای سوریتس فرستاده شد و همزمان به عنوان نماینده کمینترن در کابل مسئولیت ادامه کار مخفی در سرحدات آزاد افغانستان را به عهده داشت، غلام محمد عزیز (عزیز هندی) بنا به توصیه محمد علی (۶) رهبری مرکز سید آشان (۴) در باجور را به عهده داشت. اما از موجودیت چنین مرکزی بنام سید آشان در باجور بدون از راپور های محمد علی و راسکلنیکف، در هیچ جایی دیگر نه در راپور های استخبارات انگلیس، و نه در نشرات و کتب متعدد مربوط به مبارزات مسلحانه انقلابیون هندی در سرحد آزاد، اسمی برده نشده است. به نظر میرسد این مرکز هم مانند راپور فعالیت های مبالغه امیز عزیز هندی به محمد علی تنها روی کاغذ بوده باشد که منظور آن بازی دادن روس ها و استفاده از بودجه باشد که به این منظور اختصاص داده شده بود (۷).

اسناد موجود در آرشیف روسیه نشان میدهد که مسکو امیدوار بود به کمک گسترش کارهای زیر زمینی، تلاش های ضد بریتانوی استخبارات شوروی و کمینترن در افغانستان ادامه یافته و گسترش یابد. لذا محمد علی جاسوس کمینترن در افغانستان به راسکلنیکف پیشنهاد نمود تا در باجور یا مناطق مهمند 'مرکز' جدیدی را سازماندهی کند که زیر پوشش انجمن رسمی فرهنگی و معارف با چاپخانه و مکتب فعالیت کند. او از نماینده کمینترن در افغانستان، راسکلنیکف، خواهش کرد برای سه ماه نخست برای این مقاصد، ده هزار روپیه تخصیص دهد. علاوه بر این مبلغ، پلان محمد علی ۱۲۰۰۰ روپیه دیگر را به شکل کمک مالی سالانه به رهبران مجاهدین که از آن به نام «کمیته رهروان جهاد» یاد شده است، در نظر گرفته بود. محمد علی میدانست که بدون همکاری نزدیک با این سازمان پر نفوذ در سرحدات آزاد نمیتواند پلنهایش را پیاده کند، لذا از آغاز سال ۱۹۲۱ به «کمیته رهروان جهاد» ماهانه یک هزار روپیه کمک مالی میکرد اما رهبری این سازمان به عزیز هندی اجازه نداد تا در چمرکند فعالیت کند و گویا کمیته انترناسیونال سوم را ایجاد نماید. افزون بر آن، به خاطر رفتار خصمانه با عزیز، وی ناگزیر گردید، به روستای سید آشان باجور برود.

تیخانف به رویت اسناد آرشیف روسیه در رابطه با این مرکز و یکی از شبنامه های عزیز هندی که در آن افغان ها به گناه پایان دادن جنگ با انگلیس ها و امضای قرارداد صلح مورد اهانت قرار گرفته و «خوک» خوانده شده بودند، از برافروختگی چیچیرین، کمیسار خلق در امور خارجی روسیه شوروی، یاد نموده مینویسد که چیچیرین ناگزیر بود شخصاً مداخله کند تا جلو این گونه خودسری ها را که منجر به تیرگی روابط با افغانستان می گردید، بگیرد. او علاوه میکند که راسکلنیکف همچنان به این باور بود که هرگاه عزیز «به پخش این گونه «چرند و پرندها» که با روحیه سیاست ما در هند مغایرت دارد، ادامه بدهد، باید روابط با این مرکز را پایان داد». تیخانف مینویسد که سرنوشت آتیه این مرکز کمینترن را از روی اسناد آرشیوی نمی توان پیگیری کرد. چنین بر می آید که تلاش های آن پس از چندی پایان یافته باشد (۸).

عزیز هندی در ماه جنوری سال ۱۹۲۹ از مقامات انگلیسی در کابل اجازه برگشت به هند را بدست آورد، اما قبل از هزیمت به هند یکبار دیگر برای مدت کوتاهی در کابل بازداشت شد. عزیز هندی در ماه نومبر ۱۹۲۹ به جریده «انقلاب» در لاهور نوشت که در کابل یک «انجمن کمک ملی» را تأسیس کرده است. او در یک مکتوب دیگری به تاریخ ۲۹ مارچ ۱۹۳۰ به جریده «میلپ» جریان ملاقاتش را با راجا مهندرا پرتاب سنگه، سابق رئیس دولت جلا وطن هند در کابل، شرح داده از پلانش برای ایجاد یک گروه همکاری با کمپاین «نافرمانی مدنی» گاندهی صحبت نمود.

به رویت اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، عزیز هندی از جاسوسان معاش خور سفارت روسیه در کابل هم بود. بعد از آنکه روس ها موفق نشدند، موافقت دولت امانی را بدست آورند تا از افغانستان بحیث یک دهلیز برای ارسال اسلحه و عمال شان استفاده کنند، خواستند این کار را بصورت مخفیانه و قاچاقی از راه بدخشان، کنر و چترال انجام دهند. ممکن است مسافرت های متعدد عزیز هندی به چمرکند، پایگاه نظامی آزادیخواهان هندی در مجاورت کنر جز همین پلان بوده باشد.

به روایت پسران غازی میرزمان خان کنری، یکی از مهاجرین هندی که به غازی میرزمان خان کنری مراجعه نموده و به او پیشنهاد نموده بود که در بدل امتیازات مادی چشمگیری با روس ها همکاری نموده، مانع فعالیت های شان در کنر نشود. شاید همین عزیز هندی بوده باشد، چون بعد از آنکه روسها موفق نشدند غازی میرزمان خان کنری

را تطمیع و همکاری اش را برای استفاده از موقعیت حساس کنر جلب کنند، عزیز هندی هم دسایس، تخریب و پروپاگند هایش را علیه غازی میرزمان خان کنری آغاز کرد.

عزیز هندی در ماه اپریل ۱۹۳۰ به هند بریتانوی برگشت. وی در امرتسر به تاریخ ۲۰ می ۱۹۳۰ در یک جلسه عام گفت که هدفش آزادی هند بوده و در آینده خود را وقف خدمت به کشورش خواهد کرد. مقامات هند بریتانوی راپور های را بدست آوردند که وی با عده دیگری تلاش میورزد تا یک تشکیلات جداگانه کمونیستی در شمال هند را ایجاد و عضویت بین الملل سوم (۹) را حاصل کند. عزیز هندی به تاریخ ۲۸ اگست ۱۹۳۰ بازداشت و به زندان مرکزی امبالا فرستاده شد.

عزیز هندی در ماه جون ۱۹۳۲ از امرتسر به فقیر محمد یکی از مهاجرین هندی طرفدار بلشویک ها طی نامه خواهان کمک شده و گفت که روسها ممکن کمک کنند. اوبعد از تقسیم هند در پاکستان سکونت اختیار کرد، اما دیری نگذشته بود که توسط افراد قبایلی اختطاف و برای مدت ۱۶ سال در سرحد آزاد افغانستان گروگان نگهداشته شد. تاریخ وفات عزیز هندی ۱۰ فبروری ۱۹۷۱ و محل وفاتش لاهور نشان داده شده است (۱۰).

(ادامه دارد)

#### یادداشت ها و مأخذ

۱. کتاب موهن لال کشمیری تحت عنوان "Life of the Amir Dost Mohammed Khan of Kabul" زندگی امیر دوست محمد خان کابل" در دو جلد در لندن بچاپ رسیده و ترجمه دری آن توسط پروفیسر دکتور سید خلیل الله هاشمیان، از طرف مجله آئینه افغانستان در امریکا بنشر رسیده است.

۲. کتاب عزیز هندی تحت عنوان "زوال غازی امان الله خان یا انقلاب افغانستان سنه ۱۹۲۸-۱۹۲۹" در سال ۱۹۳۱ در هند بریتانوی بزبان اردو در ۲۰۰۰ جلد چاپ و ترجمه پشتوی آن تحت عنوان "دغازی امان الله خان زوال" به سفارش شعبه تالیف و ترجمه مرکز بین المللی تحقیقات پشتوی اکادمی علوم افغانستان (دوره حکومت پرچی ها و بعدامجاهدین)، برای ترفیع به رتبه علمی "محقق" توسط آقای معاون سرمحقق فرهاد ظریفی تهیه و در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ م در پشاور بنشر رسیده است.

۳. Sharma, Jagdish Saran (1972). The National Biographical Dictionary of India, p27

۴. معین الحق (۱۹۷۸)، زندگی و کارنامه های محمد علی، ص ۱۹۸.

۵. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی /L/P&S/20/12/

۶. محمد علی یکی دیگر از هندی های مهاجر بود که برای ایجاد یک مرکز زیر زمینی در کابل و حمایت از فعالیت در مناطق قبایلی سرحد آزاد، به تاریخ ۵ جنوری ۱۹۲۱ به کابل فرستاده شده بود. او بحیث نخستین جاسوس کمینترن در کابل، در پیوند تنگاتنگ با سفارت شوروی بر علاوه وظیفه خطیر بخش شبکه جاسوسی در هند و افغانستان، ارسال پنهانی رهبران به اصطلاح جنبش رهائی بخش ملی هند به روسیه و قاچاق اسلحه روسی به قبایل سرحدات آزاد را به عهده داشت (تیخانف، سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون ص ۷۸).

۷. مثلاً به حواله تیخانف در گزارش راسکلنیکف در باره کار هند از تاریخ ۱ دسمبر ۱۹۲۱ تا یکم ماه می ۱۹۲۲، آرشیف تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه، فوند ۵۴۴، دوسییه مخصوص ۳، صندوق ۱۰۵، صفحه ۱۴۴، ذکر شده است که "مرکز سید آشان در باجور را غلام محمد عزیز رهبری می کرد که بنا به توصیه محمد علی به این کار گماشته شده بود. عزیز که یک نظامی کادری بود، توانست در میان جوانان بومی دبستانی را «برای پرورش انقلابیون پتان» سازماندهی کند و کار را در میان سپاهیان انگلیسی آغاز کند. او توانست دستگاه چاپ را به کوهستان برساند و آغاز به چاپ آثار تبلیغی نماید.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

۸. تیخانف، داکتر یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰). نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون) ص ۸۴.

۹. بین الملل سوم یا کمونیست انترنشنل که خلاصه آن کمترین است ۱۹۴۳-۱۹۱۹ یک مؤسسه کمونیستی بین المللی بوده که در ماه مارچ ۱۹۱۹ در مسکو تأسیس شده بود.

۱۰. Sharma, Jagdish Saran (1972). The National Biographical Dictionary of Linda, p27.

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ